



مفهوم «تاویل» در سوره یوسف 7

حسن رهبری

کارشناسی ارشد مدیریت

چکیده:

چه بسیار واژه‌های قرآنی که در ساختار کلام الهی از بار معنایی خاصی برخوردارند و جز با ژرفاندیشی و تأمل در زبان قرآن، دسترسی به معانی آنها میسر نمی‌باشد. «تاویل» که شاهد هفت مرتبه تکرار آن در قرآن هستیم، از جمله واژه‌هایی است که در ترکیب با دیگر کلمات و یا عبارات قرآنی، معانی مختلفی را افاده می‌نماید. در بسیاری از آنها میان اهل تفسیر اختلاف چندانی دیده نمی‌شود. آنچه در تفاسیر تاکنون ابهام‌آمیز می‌نماید، مفهوم این واژه در آیه 37 سوره یوسف است که ترجمه‌های قرآنی دسترس، غالباً معنای «تعبیر خواب» را بر آن انتخاب کرده‌اند که پیام آیه را دگرگون ساخته است.

این مقاله با نگاهی نقدآمیز به ترجمه‌ها و تفاسیر موجود، به دنبال کشف بهترین و نزدیک‌ترین مفهومی است که سخن وحیانی را در این زمینه در برمی‌گیرد.

کلید واژه‌ها:

تاویل / یوسف 7 / تعبیر خواب / چگونگی غذا / ذلکما

پیش‌گفتار

آیات قرآنی با چیدمان حکیمانه کلمات و ترکیب واژه‌ها در سیاق عبارات خود، تفسیرگوی یکدیگر می‌باشند.¹ در آیاتی که به دلیل نبود روایات صحیحی از پیشوایان معصوم : دسترسی به تفسیری واقعی‌تر از آنها میسر نیست، ژرف‌کاوی

در ساختار کلام الهی تنها سنجه‌ای است که ما را به دریافت درست‌تری از پیام و حیانی رهنمون می‌باشد.

بر این اساس، سوره یوسف که زیباترین جلوه‌های جمال انسانیت و سیره نبوی را ترسیم می‌نماید - در زمانی که به دلیل نمایش فیلم داستانی آن از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، به فراگیر شدن مفاهیم و پیام‌های آن در گستره‌ای به اندازه مخاطبان داخلی و خارجی منجر شده است - از اهمیت بیشتری برخوردار است تا با بررسی برخی از آیات و مفاهیم مورد اختلاف آن در میان مفسران، تا جایی که اقتضا دارد، نقاب از عروس معنا برانداخته و با زدن در محک تحقیق دوباره، پیام‌های نزدیک به واقعیت آن برگزیده شود.

ما در مقاله پیشین،² مفهوم شناسی واژه‌های «رَبِّی»، «هَمَّ» و «برهان» را در سوره یوسف مورد بازکاوی قرار دادیم و اینک به مفهوم «تأویل» در آیه 37 همان سوره که مورد اختلاف مفسران است می‌پردازیم.

آیات 36 و 37 سوره یوسف

برای ورود به بحث، ابتدا لازم است که متن و معنای دو آیه زیر را در طول مقاله به خاطر داشته باشیم. آنها عبارتند از:

(وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِينَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ* قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَاتِكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ)

«همراه یوسف، دو جوان دیگر هم زندانی شدند. یکی از آنان گفت: خواب دیدم که انگور را برای شراب ساختن می‌فشارم و دیگری گفت: خواب دیدم که مقداری نان روی سرم گذاشته‌ام و پرندگان از آن می‌خورند. خواب ما را تعبیر کن که تو را از نیکوکاران می‌بینیم. (یوسف) گفت: غذایی که روزی شماست برای شما نمی‌آورند، مگر اینکه پیش از آمدنش از چگونگی آن به شما خبر می‌دهم. این از چیزهایی است که پروردگارت به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند، رها کرده‌ام.»



«تأویل» در آیه مورد نظر از نگاه مفسران

تفاسیر و ترجمه‌های قرآنی با توجه به معنا و مفهومی که از واژه «تأویل» در عبارت آیه دوم داشته‌اند، دوگانگی تفسیر و ترجمه آن را موجب شده و پیام آیه را با برداشت‌های گوناگونی که در هر کدام از آن معانی به دست می‌آید، به طور ابهام‌آمیز رها کرده‌اند و اگر برخی از تفاسیر هم بدان پرداخته‌اند، یا به نقل قول‌ها بسنده کرده، و یا به طور کوتاه از کنارش گذشته‌اند. در نتیجه شماری از زیبایی‌ها، پیام‌ها و نکات ظریف آیه در پرده ابهام باقی مانده و یا به برداشت‌های دیگری منجر شده است.

در گروه‌بندی تفاسیر و ترجمه‌های قرآنی درمی‌یابیم که آنها نوع پاسخگویی حضرت یوسف 7 به هم‌زندانی‌هایش را که از تعبیر خوابشان سؤال کرده بودند چهار گونه آورده‌اند:

گروه نخست:

الف) ترجمه آیه:

«یوسف 7 در پاسخ آنها گفت: من شما را پیش از آنکه طعام آید و تناول کنید، به تعبیر خوابتان آگاه می‌سازم که این علم از چیزهایی است که خدای به من آموخته است، زیرا من آیین گروهی را که به خدا بی‌ایمان و به آخرت کافرند ترک گفتم.»

ب) پیروان این دیدگاه در میان تفاسیر:

آسان، روشن، عاملی، کوثر، مخزن العرفان، نور، طبری، صفی، تبیین القرآن، بیان السعاده، من وحی القرآن، نمونه، هدایت، من هدی القرآن، التحریر و التنویر، تیسیر الکریم الرحمن، الجامع لأحكام القرآن، منشور جاوید، از جمله تفاسیری هستند که گروه نخست را نمایندگی می‌نمایند.

ج) پیروان این دیدگاه در ترجمه‌های قرآنی:

آیتی، ارفع، اشرفی تبریزی، الهی قمش‌ای، انصاریان، برزی، بروجردی، پور جوادی، ترجمه المیزان، تشکری آرانسی، شعرانی، طاهری قزوینی، فارسی،

فیض السلام، کاویانپور، حجتی، مشکینی، مصباحزاده، مکارم شیرازی، نوبری، یاسری، انصاری خوشابری، دهلوی، صفارزاده، صفوی، معزی، ترجمه طبری.

گروه دوم:

الف) ترجمه آیه:

«(یوسف) گفت: غذایی که روزی شماست برای شما نمی‌آورند، مگر اینکه پیش از آوردنش، از چگونگی (نوع، رنگ، طعم، مقدار و ...) آن شما را آگاه می‌نمایم ...».

ب) پیروان این دیدگاه در میان تفاسیر:

احسن‌الحديث، خسروی، روان جاوید، تاج‌التراجم، نسفی، ارشاد‌الاذهان، اطیب‌البیان، انوار‌درخشان، البلاغ، تفسیر اثنی‌عشری، الکاشف، المبین، المعین، شریف‌الاهیجی، منهج‌الصادقین، تقریب‌القرآن‌الی‌الاذهان، الجدید، حجة‌التفاسیر و بلاغ‌الاکسیر، زبدة‌التفاسیر، سواطع‌الالهام، الفرقان فی تفسیر القرآن‌بالقرآن، مقتنیات‌الدرر و ملتقطات‌الثمر، مواهب‌علیه، المیزان، مقاتل بن سلیمان، فتح‌القدير، البحر‌المدید، بحر‌العلوم، بیان‌المعانی، القرآنی‌للقرآن، المراغی، المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، الواضح، الوسیط (طنطاوی)، روح‌البیان، تفسیر سور‌آبادی، روح‌المعانی، الفواتح‌الالهیه و المفاتح‌الغیبیه، الفتوحات‌الهییه، الکشاف، محاسن‌التأویل، المحرر‌الوجیز، مراح‌لبید‌لکشف‌معنی‌القرآن‌المجید، معانی‌القرآن، المیسر، جمال‌انسانیت یا تفسیر‌سوره‌یوسف، کشف‌الحقایق عن نکت‌الآیات و الدقائق.

ج) پیروان این دیدگاه در میان ترجمه‌ها:

در میان ترجمه‌های قرآنی، رضا سراج، تنها مترجم قرآنی است که از این دیدگاه پیروی کرده است.



گروه سوم:

الف) ترجمه آیه

«گفت: غذایی برای شما [در خواب] آورده نمی‌شود که بخورید، مگر آنکه از تعبیر آن [در بیداری] - پیش از آنکه برای شما وقوع بیابد - خبردارتان می‌کنم...»
ب) پیروان این برداشت در تفاسیر:

کشف الاسرار و عدة الابرار، دقائق التأویل و حقائق التنزیل، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز (دخیل)، الجلالین، جامع البیان، الکشف و البیان.
ج) پیروان این برداشت در ترجمه:

در میان ترجمه‌ها، محمد خواجوی و ابوالقاسم پاینده، دو مترجمی هستند که به این دیدگاه گرایش نشان داده‌اند.

گروه چهارم:

الف) ترجمه آیه:

این گروه یا ترجمه دو پهلو ارائه کرده‌اند، یا اینکه معانی سه‌گانه قبلی را در ترجمه خود گنجانیده‌اند. سه نمونه از ترجمه‌های این گروه را در زیر می‌آوریم:

1- «گفت: غذایی که می‌خورید نزد شما نمی‌آید، مگر اینکه پیش از آن من شما را از تعبیر آن آگاه می‌کنم...» (تفسیر کوثر، جعفری).

2- «گفت: هیچ خوردنی که روزی شما سازند شما را نرسد، مگر به تأویل آن - تعبیر و سرانجام خواب یا آن خوردنی - پیش از آنکه به شما رسد آگاهتان کنم...» (مجتبوی).

3- «گفت: غذایی که خوراک شما شود به رؤیایان نیاید، مگر شما را از تعبیر آن پیش از آنکه وقوع یابد خبردار کنم...» (پاینده).

ب) پیروان این دیدگاه در میان تفاسیر:

جوامع الجامع، روض الجنان، التبیان، مجمع البیان، الصافی، تفسیر عبدالله شبر، کنزالدقائق و بحر الغرائب، التفسیر لکتاب الله المنیر، جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، الجوهر الثمین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)، تفسیر القرآن العظیم (ابن

کثیر)، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، التفسیر المظهری، تفسیر الوسیط (زحیلی)، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، جواهر الحسان، زاد المسیر، کتاب التسهیل التنزیل، لباب التأویل فی معانی التنزیل، معالم التنزیل، مفاتیح الغیب، تفسیر راهنما. (ج) پیروان این دیدگاه در میان ترجمه‌ها:

بهرام‌پور، حلبی، رضایی اصفهانی، رهنما، فولادوند، مجتبوی، در جمع‌بندی دیدگاه‌های چهارگانه که از تعداد 131 تفسیر و ترجمه قرآنی استخراج شده است، نتایج زیر حاصل می‌شود:

ترتیب	خلاصه دیدگاه	پیروان در تفسیر	پیروان در ترجمه
گروه اول	تأویل = تعبیر خواب	17	27
گروه دوم	تأویل = چگونگی غذایی که خواهند آورد	48	1
گروه سوم	تأویل = تعبیر غذایی که در خواب دیده‌اند	6	2
گروه چهارم	نقل اقوال یا ترجمه دو پهلوی	23	7
جمع	-	95	36
		131	

نقد دیدگاه‌ها

با توجه به اینکه در میان دیدگاه‌های چهارگانه فوق، گروه سوم و چهارم برای تفسیر خود دلیلی ارائه نکرده‌اند یا به نقل اقوال بسنده نموده‌اند، از این رو از نقد دیدگاه آن دو چشم‌پوشی نموده و تنها دیدگاه گروه اول و دوم را مورد بحث و ارزیابی قرار می‌دهیم.



دلایل دیدگاه نخست

این گروه - که اندکی از تفاسیر و بسیاری از ترجمه‌های فارسی قرآن را شامل می‌شود- در تفسیر خود از آیه، کمتر به ذکر دلایل و آوردن شواهد پرداخته‌اند، بلکه بیشتر بدون توضیح از کنار آن رد شده‌اند و یا گاه به دلایل زیر اشاره کرده‌اند:

1- واژه «تأویل» به معنی ذکر خصوصیات غذا، کمتر آمده است. (مکارم شیرازی، 407/9)

2- در آیه قبلی به معنی تعبیر خواب است. (همان)

3- در مورد خبر دادن از واقعیت چیزی که یک ساعت بعد حاضر خواهد شد، لفظ «تأویل» به کار نمی‌رود. تأویل در مورد شیء حاضر که واقعیتی در آینده دارد به کار می‌رود، نه چیزی مانند غذای زندان که هنوز به دست زندانی نرسیده و برای او مجسم نگردیده است. (سبحانی، 96/11)

نقد دیدگاه نخست

دلایل سه‌گانه این دیدگاه در مجموع به یک موضوع برمی‌گردد و آن، تردید در معنی و مفهوم «تأویل» است که با نگاهی دوباره به معنای تأویل، ابهام وارده این دیدگاه را مرور می‌نماییم.

تأویل چیست؟

اهل لغت، «تأویل» را چنین معنا می‌کنند:

«التأویل: ارجاع الکلام و صرفه عن معناه الظاهری الی معنی آخفی منه» (طریحی،

312/5)؛ «تأویل، بازگرداندن سخن از معنای ظاهری به معنای پنهانی آن است.»

«تأویل: تفسیر الکلام الذی تختلف معانیه» (فراهیدی، 369/8)؛ «تأویل، تفسیر

سخنی است که معناهای گوناگونی دارد.»

«التأویل و المعنی و التفسیر واحد» (ابن منظور، 33/7)؛ «تأویل و معنا و تفسیر به

یک مفهوم‌اند.»

تأویل، واقع و خارج یک عمل و یک خبر است که گاهی به صورت علت غایی و نتیجه و گاهی به صورت وقوع خارجی متجلی شده و به عمل و خبر برمی‌گردد. مثلاً در دو آیه: (یا اَبْتَ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ) (یوسف/100) و (ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا) (کهف/82) در آیه اولی، ابتدا خبر بود، بعد، وقوع خارجی، و در دومی ابتدا وقوع است، بعد خبر و توضیح علل.

و در آیه: (وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (اسراء/35)، تأویل به معنی نتیجه و عاقبت امر است.

پس تأویل یک واقعیت و خارج است که به اصل خود برمی‌گردد، خواه به صورت نتیجه باشد یا علت و یا وقوع خارجی.

تأویل قرآن، وقوع خارجی وعده‌های آن است و از جمله وقوع قیامت می‌باشد؛ (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسَوْهُ مِنْ قَبْلُ...) (اعراف/53) (قرشی، قاموس القرآن، 142/1)

تفسیرالمیزان می‌نویسد:

«تأویل، «نسبتی است میان حقیقت مجسم شده با مثال آن حقیقت» ... یا «نسبتی

میان صورت و معناست. صورتی که معنا به آن صورت جلوه می‌کند».

(طباطبایی، 40/3)

به تعبیری دیگر: «برگشت هر کاری به صورت و عنوان واقعی خویش است؛ همان‌طوری که زدن کودک به تأدیب برمی‌گردد؛ و زدن رگ و خون گرفتن به غرض معالجه برمی‌گردد.» (همان، 38)

به هر حال، تأویل، «امری است خارجی و اثری است عینی که بر عمل خارجی مترتب می‌شود.» (همان، 37)

تأویل در قرآن و روایات، گاه به مفهوم «علت و فلسفه کاری» به کار رفته است؛ مانند آیه زیر که در داستان همراهی خضر و موسی 8، از زبان خضر به حضرت موسی چنین گفته می‌شود:

(ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا) (کهف/82)

«این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکيبا باشی.»



در روایات آمده است که مردی از حضرت علی ⁷ از فلسفه سجده در نماز می‌پرسد، ایشان در جواب می‌فرمایند:

«تَأْوِيلُهُ اللَّهُمَّ أَنْكُ مِنْهَا خَلَقْتَنَا يَعْنِي مِنَ الْأَرْضِ وَ تَأْوِيلُ رَفْعِ رَأْسِكَ وَمِنْهَا أَخْرَجْتَنَا ...» (شیخ صدوق، 314/1)

«فلسفه آن این است که: خدایا! همانا ما را از خاک آفریده‌ای؛ و فلسفه برخاستن از سجده این است که پروردگارا! دوباره ما را از آن بیرون خواهی آورد.» با توجه به این تعریف‌ها و تعاریف دیگر که اهل لغت و تفسیر از «تأویل» ارائه کرده‌اند، درمی‌یابیم که دلایل دیدگاه نخست در قالب این معانی نمی‌گنجد. هنگامی که طبق لغت، همه اشیاء و همه امور قابل تأویل‌اند، بدیهی است که طبق قراین و سیاق سخن، در جایی و در آیه‌ای به ویژگی غذا اطلاق داشته باشد و در جایی و آیه‌ای دیگر به تعبیر خواب. همچنین نه تنها هیچ دلیلی بر این ادعا که «تأویل به معنی خبر دادن از حضور امری در آینده به کار نمی‌رود» نداریم، بلکه آیات قرآنی که وقوع هر فعلی از افعال بشری را، چه در گذشته و چه در آینده، به تأویل آن در قیامت ارجاع می‌دهد، چنین برداشتی را کاملاً نفی می‌نماید؛ مانند آیه (وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) (سراء/35)؛ یعنی کم‌فروشی، چه در صدر اسلام صورت گرفته باشد و چه در پایان حیات جهانی اتفاق بیفتد، قابل تأویل در روز قیامت خواهد بود.

دلایل دیدگاه دوم

در بین تفاسیری که آیه مورد نظر را با روش اجتهادی نگریسته‌اند، این دیدگاه بیشترین پیروان را به خود اختصاص می‌دهد، هر چند از ترجمه‌های فارسی قرآن تنها یک ترجمه با آن همراهی می‌نماید. مفسران معتقد به این دیدگاه، دلایل پذیرش خود را چنین می‌نگارند:

1- «بتأويله» دارای ضمیری مفرد و مذکر است، به اعتبار اینکه مرجع اصلی اش «طعام» است. اگر آن را به رؤیا در آیه قبل برگردانیم، این خلاف ادب لفظ و معناست؛ زیرا:

الف) از لحاظ ادب لفظ، «رؤیا» مؤنث است و ضمیر «بتأویله» مذکر.

ب) «رؤیا» دو تا بود، در حالی که اینجا ضمیر، مفرد آمده است.

ج) اما از لحاظ معنا، تأویل رؤیا هیچ ارتباطی با آوردن غذایی که روزی آنها بوده است ندارد. (صادقی تهرانی، 94/15)

2- کلمه «ذلکما» که در قرآن فقط یک بار و آن هم در این آیه از زبان یوسف 7 نقل شده است، اشاره به دو چیز دارد: تعبیر خواب در آیه قبلی و چگونگی غذا در آیه مورد بحث.

طنطاوی در تفسیر «ذلکما» در این آیه چنین می‌نویسد:

«ذلکما، أی ذلک التفسیر الصحیح للرؤیا، والإخبار عن المغیبات، کإخبارکما عن

احوال طعامکما قبل أن یصل إلیکما.» (طنطاوی، 360/7)

«ذلکما» یعنی آن تعبیر درست خواب و اطلاع رسانی از مسائل غیبی، مثل خبر

دادن به شما از کیفیت غذایتان، قبل از آنکه به شما برسد.»

و واضح‌تر از آن را تفسیر «الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه» می‌نویسد؛ «ذلکما:

ای تعبیر رؤیاکما و تأویل طعامکما.» (نخجوانی، 374/1)

«ذلکما» یعنی تعبیر خواب و چگونگی غذای شما دو نفر.»

توجه به این نکته باریک در تفسیر «ذلکما» که تنها در این دو تفسیر دیده

می‌شود، در کامل بودن تفسیر این دیدگاه حائز اهمیت است.

نکته باریک دیگری در «ذلکما» وجود دارد که هیچ مفسری بدان نپرداخته، اما

آن را می‌توان به عنوان تأیید دیگری بر تفسیر این دیدگاه افزود. آن نکته این است:

«ذلک»، «ذلکما» و «ذلکم» هر چند در مقام تجزیه، همان اسم اشاره «ذا» است

که «لام» اشاره به دور و ضمائر مخاطب مذکر (ک، کما، کم) بدان افزوده شده‌اند،

اما این ضمائر هیچ وقت در قرآن جنبه خطاب‌ی نداشته و به معنای «تو» یا «شما» به

کار نرفته است، بلکه به مفهوم «این» و «آن» در شیئی یا اشیاء به کار رفته است،

مگر در سه مورد که به خدای متعال،³ شیطان،⁴ و آدم و حوا⁵ اطلاق دارد.

نمونه‌هایی از کاربرد «ذلکما» در آیات عبارتند از:



(الف) (وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَاتِرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قَنَوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (انعام/99)

«او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویانیدیم و از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم؛ از آنها دانه‌های متمرک، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، شبیه به یکدیگر، و بی‌شبهات! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آنها نشانه‌هایی برای افراد با ایمان است.»

(ب) (قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَآنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ) (انبیاء/56)

«(حضرت ابراهیم) پاسخ داد که خدای شما همان خدایی است که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و من بر اینها گواهی می‌دهم.»

(ج) (فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ، ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...) (طلاق/2)

«و چون عده آنان (زنان مطلقه) سرآمد، آنان را به طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید و شهادت را برای خدا برپا دارید. اینها چیزهایی هستند که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند.»

(د) (و كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ ...) (يوسف/21)

«و این گونه یوسف را در آن سرزمین فرمانروایی دادیم.»

(ه) (مُذَبِّذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ ...) (نساء/142)

«(منافقان) در این میان سرگردانند، نه از اینانند و نه از آنان.»

پس با این شواهد قرآنی معلوم می‌شود که «ذلک، ذلکما، ذلکم» و صورت‌های مؤنث آنها غالباً اشاره به اشیاء دارند، نه اشخاص؛ به خصوص آنجا که سیاق آیات و چیدمان کلام، مفهومی جز این را نمی‌رساند.

در آیه مورد نظر هم که عبارت «ذلکما علّمنی ربّی» آمده است، ناظر بر دو چیزی است که خداوند به حضرت یوسف 7 آموخته است. آن عبارت است از تأویل خواب و تأویل غذا، که در مجموع «تأویل الاحادیث» را ترتیب می‌دهند.

3- اگر ضمیر «بتأویله» به رؤیایی که هم‌زندانان یوسف دیده بودند برگردد، معنای آیه چنین می‌شود: «من خواب شما را خیلی زود، حتی قبل از آوردن جیره غذایی شما تعبیر می‌کنم»، ولی این معنا که در حقیقت سرعت عمل را در پاسخگویی به درخواست آنان می‌رساند، از نظر سیاق آیات، معنای بعیدی است. (طباطبایی، 172/11)

4- آیه مورد بحث (قال لا یأتیکما طعامٌ ...) اصلاً در مقام پاسخگویی به پرسش رفیقان هم‌بند یوسف 7 نیست، بلکه به طرح موضوع دیگری می‌پردازد تا برای پاسخ به پرسش آنان، مقدمه‌چینی کرده باشد. (نک: فخر رازی، 455/18؛ حائری تهرانی، 3/6)

اما علت مقدمه‌چینی حضرت یوسف برای دادن پاسخ آنان عبارت است از:
 الف) پرهیز از مواضع تهمت: تعبیر خواب یکی از آنان اعدام بود. بدیهی است که شنیدن چنین تعبیری بسیار ناراحت‌کننده است و چه بسا موجب نفرت و دشمنی با شخص خواب‌گزار می‌گردد، مگر اینکه به صحت گفتار و تعبیر او ایمان و اطمینان یافته باشد. بدین دلیل بود که یوسف 7 خواست میزان علم خدادادی خود را با غیب‌گویی دیگری اظهار نماید تا صدق سخنش کاملاً آشکار شده و در دل رفیق محکوم به اعدام، به عداوت و بدگویی متهم نگردد.

ب) اظهار فضل و دانش برای ایجاد باور و تأثیرگذاری در دیگران
 ج) خواب‌گزاران زیادی در جامعه آن روز بودند که مبنای تعبیر آنان تخمین و گمان بوده است. اگر حضرت یوسف قبل از ارائه دانش خود، با بیان مسائل غیبی به تعبیر خواب آنان می‌پرداخت، تعبیر او را باور نمی‌کردند و سپس برای تعبیر خواب پادشاه، سراغ او را نمی‌گرفتند.

د) زمان‌شناسی تبلیغ: انسان همیشه مستعد دریافت پیام‌های الهی نیست، از این رو رسولان و مصلحان روانشناس برای تبلیغ دین و بیان آیین توحیدی همواره دنبال فرصت‌هایند تا پیام حق را برای آنان زمزمه کرده و فطرت‌های خوابیده آنان را بیدار نمایند.



حضرت یوسف با احساس پدیدار شدن چنین زمینه‌ای در دوستان هم‌بندش و باور آنان به نیکوکاری و صداقت گفتارش، فرصت را غنیمت شمرده و قبل از پاسخگویی به سؤال آنان، درس توحید و خداشناسی آغازید، شاید که مؤثر افتد. (ه) حس دوستی و حرص انبیا به هدایت بندگان خدا، یوسف 7 را بر آن داشت که قبل از بیان تعبیر خواب، زمینه هدایت آنان را فراهم نماید تا دوستی که نزدیک به اعدام است، شاید در آیین یکتاپرستی، خدایش را ملاقات نماید. (نک: فخر رازی، 455/18)

(و) خبر از چیزی که اثری از آن هنوز نمی‌باشد: دوستان زندانی یوسف 7 از تأویل خوابی می‌پرسند که آن را در عالم رؤیا دیده‌اند، اما یوسف 7 می‌خواهد آنها را از موضوعی آگاه نماید که حتی در عالم خواب هم اطلاعی از آن نیافته‌اند.

نتیجه

«تأویل» در قرآن به مفهوم نتیجه، عاقبت و فلسفه چیزی یا امری به کار رفته است. آمدن این واژه در دو آیه متوالی در سوره یوسف، شماری از مفسران و مترجمان قرآن را به اشتباه انداخته و به تبع آیه قبلی که در آن، تأویل به مفهوم «تعبیر خواب» آمده است، همان معنا را در آیه بعدی هم نتیجه‌گیری کرده‌اند. از این رو، پیام آیه از پیامی که ساختار کلام الهی و ظاهر آیه متضمن آن است، فاصله گرفته است.

بررسی در محتوا و چیدمان کلمات و حیانی در آیه بعدی نشان می‌دهد که هر چند سخن در ادامه آیه قبلی و در ارتباط با سؤالی است که دوستان هم‌زندانی یوسف 7 از او در موضوع تعبیر خوابشان کرده‌اند، ولی این آیه به دنبال بیان پاسخ مستقیم از سؤال مطرح شده نمی‌باشد، بلکه به دنبال زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای پاسخگویی است تا نشانگر توان علمی و آینده‌بینی یوسف بوده و پاسخ را در اذهان دوستان پرسشگر یوسف با تردید مواجه ننماید.

با چنین نگاه ژرف‌اندیشانه در ساختار کلام الهی، درمی‌یابیم که معنا و مفهوم آن دسته از مفسران و مترجمان قرآنی - در آیه 37 سوره یوسف - نزدیک به واقعیت

است که از واژه «تأویل» در این آیه، نه «تعبیر خواب»، بلکه «چگونگی نوع غذا» را که ساعتی بعد به زندانیان خواهند آورد، استنباط کرده‌اند.
 بنابراین مناسب‌ترین ترجمه آیه چنین است:
 «(یوسف) گفت: غذایی که روزی شماست برای شما نمی‌آورند، مگر اینکه پیش از آوردنش، از چگونگی (نوع، رنگ، طعم، مقدار و ...) آن شما را آگاه می‌نمایم...»

پی‌نوشت‌ها:

1. علی 7: «... ینطق بعضه بیعض، و یشهد بعضه علی بعض»؛ بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی از برخی دیگر گواهی می‌دهد. (نهج البلاغه، خطبه 133)
2. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره 58، سال 1388، صص 156-179، مقاله: یوسف 7 رزم آزمای معرکه نفس.
3. (ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ) (انعام/102)
4. (إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ) (آل عمران/175)
5. (أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تَلْكُمَا الشَّجَرَةَ) (اعراف/22)



منابع و مأخذ:

1. قرآن.
2. نهج البلاغه.
3. آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر؛ تیسیر الکریم الرحمن، بی‌جا، بیروت، مکتبه النهضة العربية، 1408ق.
4. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بی‌جا، بیروت، دارالکتب العلمية، 1415ق.
5. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسیر القرآن العظیم، بی‌جا، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز، 1419ق.
6. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ من لایحضر الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، بی‌جا، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، بی‌تا.
7. ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد؛ التسهیل لعلوم التنزیل، بی‌جا، بیروت، دار الارقم بن ابی الارقم، 1416ق.
8. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ زاد المسیر فی علم التفسیر، بی‌جا، بیروت، دارالکتاب العربی، 1422ق.
9. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ، 1420ق.
10. ابن عجبیه، احمد بن محمد؛ البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید، بی‌جا، قاهره، نشر دکتر حسن عباس زکی، 1419ق.
11. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بی‌جا، بیروت، دارالکتب العلمية، 1422ق.
12. ابن کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم، بی‌جا، بیروت، دارالکتب العلمية، 1419ق.
13. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بی‌جا، قم، نشر ادب الحوزه، بی‌تا.
14. رازی، ابوالفتوح؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بی‌جا، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1408ق.

15. اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر؛ تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، بی‌چا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1375 ش.
16. امین، سیده نصرت (بانوی اصفهانی)؛ مخزن العرفان، بی‌چا، تهران، نهضت زنان مسلمان، 1361 ش.
17. بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل، بی‌چا، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ق.
18. بلاغی، سید عبدالحجّه؛ حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، بی‌چا، قم، انتشارات حکمت، 1386 ق.
19. بلخی، مقاتل بن سلیمان؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: احمد فرید، بی‌چا، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1424 ق.
20. بیضاوی، عبدالله عمر؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1418 ق.
21. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد؛ جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1418 ق.
22. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1422 ق.
23. تقفی تهرانی، محمد؛ تفسیر روان جاوید، بی‌چا، تهران، انتشارات برهان، 1398 ق.
24. جرجانی، حسین بن حسن؛ جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، بی‌چا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1377 ش.
25. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت، 1376 ش.
26. الجمل، سلیمان بن عمر العجیلی؛ الفتوحات الهیة، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
27. حائری تهرانی، میرسید علی؛ مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، بی‌چا، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1377 ش.
28. حجازی، محمد جواد؛ التفسیر الواضح، بی‌چا، بیروت، دارالجلیل الجدید، 1413 ق.



29. حسنی ابوالمکارم، محمود بن محمد؛ دقائق التأویل و حقائق التنزیل، بی‌جا، تهران، نشر میراث مکتوب، 1381 ش.
30. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنی عشری، بی‌جا، تهران، انتشارات میقات، 1363 ش.
31. حسینی شیرازی، سید محمد؛ تبیین القرآن، بی‌جا، بیروت، دارالعلوم، 1423 ق.
32. حسینی شیرازی، سید محمد؛ تقریب القرآن الی الاذهان، بی‌جا، بیروت، دارالعلوم، 1424 ق.
33. حسینی همدانی، سید محمد حسین؛ انوار درخشان، بی‌جا، تهران، کتابفروشی لطفی، 1404 ق.
34. حقی برسوی، اسماعیل؛ تفسیر روح البیان، تصحیح: احمد عزو عنایه، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1421 ق.
35. خسروانی، میرزا علی‌رضا؛ تفسیر خسروی، بی‌جا، تهران، انتشارات اسلامیة، 1390 ق.
36. خطیب، عبدالکریم؛ التفسیر القرآنی للقرآن، قاهره، دارالفکر العربی، بی‌تا.
37. دخیل، علی بن محمد علی؛ الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بی‌جا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1422 ق.
38. رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد؛ کشف الاسرار و عدة الابرار، بی‌جا، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1371 ش.
39. زحیلی، وهبه بن مصطفى؛ التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بی‌جا، بیروت، دارالفکر المعاصر، 1418 ق.
40. زحیلی، وهبه بن مصطفى؛ تفسیر الوسیط، بی‌جا، دمشق، دارالفکر، 1422 ق.
41. زمحسری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بی‌جا، بیروت، دار الکتاب العربی، 1407 ق.
42. سبحانی، جعفر؛ منشور جاوید، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق 7، 1372 ش.
43. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بی‌جا، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، 1406 ق.

44. سبزواری نجفی، محمدبن حبیب‌الله؛ ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بی‌جا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1419ق.
45. سمرقندی، نصرین محمد؛ بحرالعلوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1413ق.
46. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد؛ تفسیر سورآبادی، بی‌جا، تهران، فرهنگ نشر نو، 1380ش.
47. شبر، سید عبدالله؛ الجوهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین، بی‌جا، کویت، مکتبه الألفین، 1407ق.
48. شبر، سیدعبدالله؛ تفسیر القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1397ق.
49. شریف لاهیجی، محمد بن علی؛ تفسیر شریف لاهیجی، بی‌جا، تهران، دفتر نشرداد، 1373ش.
50. شوکانی، محمدبن علی؛ فتح‌التدیر، بی‌جا، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر و دار الحکم الطیب، 1414ق.
51. صادقی تهرانی، محمد؛ البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، بی‌نا، 1419ق.
52. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، 1365ش.
53. صالحی نجف‌آبادی؛ جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف، چاپ دوم، تهران، انتشارات امید فردا، 1381ش.
54. صفی علیشاه، حسن بن محمدباقر؛ تفسیر صفی (منظومه)، بی‌جا، تهران، انتشارات منوچهری، 1378ش.
55. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن، بی‌جا، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1417ق.
56. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، بی‌جا، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، 1377ش.
57. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، 1408ق.



58. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، بی‌چا، بیروت، دارالمعارف، 1412ق.
59. طنطاوی، محمد سید؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، دارالمعارف، بی‌تا.
60. طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
61. طبیب، سید عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، بی‌چا، تهران، انتشارات اسلام، 1378ش.
62. عاملی، ابراهیم؛ تفسیر عاملی، بی‌چا، تهران، انتشارات صدوق، 1360ش.
63. عاملی، علی بن حسین؛ الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، بی‌چا، قم، دارالقرآن الکریم، 1413ق.
64. عبدالجلیل، عیسی؛ التفسیر المیسر، بی‌چا، قاهره، دارالقلم، 1385ق.
65. علوی حسینی موسوی باکویی، میرمحمد کریم؛ کشف الحقایق عن نکات الآیات و الدقائق، چاپ دوم، تبریز، دانشگاه صنعتی سهند، 1373ش.
66. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمدبن عمر؛ مفاتیح الغیب، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420ق.
67. فراء، ابو زکریا یحیی بن زیاد؛ معانی القرآن، بی‌چا، مصر، دارالمصریة للتألیف و الترجمة.
68. فضل الله، سید محمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن، بی‌چا، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، 1419ق.
69. فیض کاشانی، ملامحسن؛ تفسیر الصافی، بی‌چا، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1399ق.
70. فیضی دکنی، ابوالفضل؛ سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، بی‌چا، قم، دار المنار، 1427ق.
71. قاسمی، محمد جمال‌الدین؛ محاسن التأویل، بی‌چا، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1418ق.
72. قاضی ابی السعود، محمدبن مصطفی العمادی الحنفی؛ تفسیر ابی السعود، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1419ق.
73. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، بی‌چا، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، 1383ش.
74. قرشی، سید علی‌اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، بی‌چا، تهران، بنیاد بعثت، 1377ش.
75. _____؛ قاموس قرآن، بی‌چا، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1371ش.

76. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن، بی‌جا، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1364ش.
77. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، بی‌جا، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1368ش.
78. کاشانی، محمد بن مرتضی؛ تفسیر المعین، بی‌جا، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، 1410ق.
79. کاشانی، ملا فتح الله؛ زیدة التفاسیر، بی‌جا، قم، بنیاد معارف اسلامی، 1423ق.
80. کاشانی، ملا فتح الله؛ منهج الصاقین فی الزام المخالفین، بی‌جا، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، 1336ش.
81. کاشفی سبزواری، حسین بن علی؛ مواهب علیه، بی‌جا، تهران، انتشارات اقبال، 1369ش.
82. کرمی حویزی، محمد؛ التفسیر لکتاب الله المنبر، بی‌جا، قم، چاپخانه علمیه، 1402ق.
83. گروه مترجمان؛ تفسیر هدایت، بی‌جا، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1377ش.
84. گنابادی، سلطان محمد؛ تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بی‌جا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1408ق.
85. محلی، جلال‌الدین و سیوطی، جلال‌الدین؛ تفسیر الجلالین، بی‌جا، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، 1416ق.
86. مراغی، احمد بن مصطفی؛ تفسیر المراغی، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
87. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، بی‌جا، تهران، مرکز نشر کتاب، 1380ش.
88. مظهری، محمد ثناء الله؛ التفسیر المظهری، بی‌جا، پاکستان، مکتبه رشدیة، 1412ق.
89. مغنیه، محمد جواد؛ تفسیر الکاشف، بی‌جا، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1424ق.
90. مغنیه، محمد جواد؛ التفسیر المبین، بی‌جا، قم، بنیاد بعثت، بی‌تا.
91. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1359ش.
92. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر؛ بیان المعانی، بی‌جا، دمشق، مطبعة الترقی، 1382ق.
93. نجفی خمینی، محمد جواد؛ تفسیر آسان، بی‌جا، تهران، انتشارات اسلامیة، 1398ق.

94. نخجوانی، نعمت الله بن محمود؛ الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية، بی چا، مصر، دار رکابی للنشر، 1999م.
95. نسفی، ابو حفص نجم الدین محمد؛ تفسیر نسفی، بی چا، تهران، انتشارات سروش، 1367ش.
96. نووی جاوی، محمد بن عمر؛ مراح لبید للكشف معنی القرآن المجید، بی چا، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1417ق.
97. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد؛ تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بی چا، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1416ق.
98. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ تفسیر راهنما، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1378ش.

